



فلسفه چند همسر گزینی پیامبر (ص)

پدیدآورده (ها) : عاشوری لنگرودی، حسن

علوم قرآن و حدیث :: فرهنگ کوثر :: زمستان 1389 - شماره 84

از 96 تا 107

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/692523>

دانلود شده توسط : رقیه کیخا

تاریخ دانلود : 30/09/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



حسن عاشوری لنگرودی

فلسفه چند همسرگزینی پیامبر صلی الله علیه و آله

با وجودی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در دوره جوانی به یک همسر (حضرت خدیجه رضی الله عنها) اکتفا نمود؛ چرا در بزرگسالی، همسران متعدد داشت؟
پاسخ به پرسش فوق را با بیان دو مقدمه آغاز می نماییم:

اول) زن و ازدواج در جامعه عصر رسالت

در بینش عرب‌های جاهلی نسبت به جنس زن و ازدواج، نکته‌ها و واقعیت‌هایی وجود دارد که توجه به آن در تحلیل و تفسیر ازدواج‌های پیامبر، به ما کمک می‌کند تا بتوانیم در پرتو آن، تفسیری درست و معقول و واقع‌بینانه ارائه نماییم.

۱. **مشکلات اقتصادی:** از یک سو، وضع اقتصادی بسیار نامناسب و اسفناک و محرومیت از امکانات طبیعی شبه جزیره عرب و از سوی دیگر، تمرکز ثروت منطقه در دست برخی از سران مشرک مکه و طائف و یهودیان مدینه و اطراف آن، وضع را بر مردم مشکل کرده بود.

۲. **قتل و غارت:** در آن محیط، جنگ و خونریزی و چپاول اموال مردم، امری رایج و متداول بود. به قول ابن خلدون: این گونه کارها جزو خصلت‌های ثانوی عرب جاهلی به شمار می‌آمد. از آثار

زیانبار رواج جنگ و غارت‌گری، کشته شدن مردان و فراوانی زنان شوهر مرده بود که بدین جهت زنان بیوه و کنیزان، افزایش چشمگیری پیدا کرده بودند.

۳. **زننده به گوری دختران:** اعراب جاهلی به جهت فقر مادی، دست و پاگیر بودن دختران در محیطی که همیشه آتش جنگ برافروخته بود، نیز به جهت ترس از اسیر شدن دختران در جنگ‌ها و نقش نداشتن زنان در درآمدهای آنان؛ یعنی غارت‌گری و چپاول اموال مردم، و دغدغه‌ای که در جوانی آنان در امر ازدواجشان پدید می‌آمد، به «دختر» علاقه‌ای نداشتند و دخترانشان را زننده به گور می‌کردند؛ چرا که ممکن است این «دختر» بزرگ شود و وبال آنان گردد، هم می‌بایست مخارج زندگی‌شان را تأمین کرد، و هم در صورت بروز جنگ، احتمال اسیر شدنشان می‌رفت و می‌بایست نیرویی صرف امنیت آنان گردد، نیز دغدغه شوهر دادن آنان وجود داشت. لذا اعراب جاهلی چاره کار را در زننده به گوری دختران می‌دیدند و در هنگام ولادت به زندگی‌شان پایان می‌دادند.

۴. **ازدواج، نوعی کمک به خانواده زن:** در آن محیط، «همسر گزینی» نوعی کمک به خانواده زن محسوب می‌شد. به همین جهت مشرکان قریش، در مسیر مبارزه اقتصادی با پیامبر، دامادهای ایشان را تشویق کردند دختران پیامبر را طلاق دهند و آنان را به خانه پدر بفرستند تا بر مشکلات اقتصادی پیامبر بیافزایند.

۵. **ازدواج بیوه‌ها:** در فرهنگ عرب آن زمان «زن بیوه» اگر شوهر نمی‌کرد، کاری ناپسند تلقی می‌شد. زن پس از مرگ شوهر و یا طلاق و سپری شدن عده وفات یا عده طلاق، شوهر دیگری انتخاب و دوباره ازدواج می‌نمود، مانند اسماء بنت عمیس؛ او اول با جعفر بن ابیطالب ازدواج کرد، پس از آن که جعفر در جنگ موته به شهادت رسید و عده وفات سپری شد، ابوبکر (پیرمرد حدود شصت ساله) از او خواستگاری کرد و به عقد او درآمد، بعد از درگذشت ابوبکر و سرآمدن عده وفات، امام علی (ع) از او خواستگاری کرد، «اسماء» پذیرفت و به عقد حضرت درآمد؛ یعنی زن بیوه در فرهنگ آن زمان برای ازدواج دوباره مشکلی نداشت و به راحتی ازدواج می‌کرد.

۶. **وحدت در پناه ازدواج:** در محیطی که همیشه جنگ و دعوا باعث اختلاف و سلب امنیت می‌شد، «ازدواج» از مهم‌ترین عوامل «وحدت» و پیوند بین قبایل، نیز عامل باز دارنده از جنگ و خونریزی به شمار می‌رفت. با پیوند ازدواج بسیاری از درگیری‌ها فروکش می‌کرد و کدورت‌ها به فراموشی سپرده می‌شد. اگر بین دو قبیله رابطه زناشویی برقرار می‌شد، نه تنها اگر خصومتی در

میان بود، برطرف می‌شد، بلکه آن دو قبیله مدافع و پشتیبان یکدیگر می‌شدند؛ مخصوصاً اگر رئیس قبیله دختری از رئیس قبیله دیگر می‌گرفت.^۱

با این اوضاع، چند همسر گزینی مردان در جامعه عربستان رواج داشت و این راه حلی معقول و منطقی به ویژه برای رفع مشکل بی‌سرپرستی زنانی بود که شوهرانشان در جنگ‌ها کشته می‌شدند.

دوم) نکاتی در مورد ازدواج‌های پیامبر ﷺ

در مورد ازدواج‌های رسول خدا ﷺ نکته‌هایی وجود دارد که توجه به آنها، تفسیر و تحلیل در مورد ازدواج‌های ایشان را آسان می‌گرداند.

۱. پاکدامنی و زمان ازدواج پیامبر: رسول اسلام در مدت عمرش همواره پاکدامن بود. حضرت تا بیست و پنج سالگی ازدواج نکرد و با وجود رواج تعدد زوجات، از بیست و پنج تا پنجاه سالگی جز حضرت خدیجه رضی الله عنها همسر دیگری نداشت. پس از درگذشت ایشان به مدت پنج سال با یک زن (سوده بنت زمعه) زندگی کرد. تنها از سال دوم هجری و از پنجاه و پنج سالگی با چند همسر زندگی کرد. بر پیامبر صلی الله علیه و آله در سال آخر زندگی‌اش ازدواج حرام شد، حتی اگر همه زنان حضرت طلاق می‌گرفتند و یا به مرگ طبیعی از دنیا می‌رفتند، پیامبر حق ازدواج مجدد نداشت.

۲. همسران بیوه: تمامی همسران پیامبر - به جز عایشه - بیوه بودند و پیش از آن که به عقد پیامبر درآیند، یک یا دو و برخی تا سه بار ازدواج کرده و به جهت مرگ یا شهادت شوهر و یا طلاق، بیوه شده بودند.

۳. ازدواج در اوضاع دشوار: عمده ازدواج‌های پیامبر در اوضاع سخت و دشوار جنگی و وجود بحران‌ها روی داده بود.

۴. همسر نگرفتن از انصار: میان همسران پیامبر، زنی از قبایل انصار به چشم نمی‌خورد. انصار به راحتی اسلام را پذیرفتند، اما قبایل قریش بسیار مقاومت کردند و در برابر پیامبر ایستادند. نیز قبایل یهود در برابر مسلمانان بسیار مقاومت کردند. پیامبر از این دو طایفه (قریش و یهود) که در دشمنی با مسلمانان زبانزد بودند، همسر گرفت، ولی از انصار همسری اتخاذ نکرد، چرا؟ (دقت در این امر، برای پیدا کردن فلسفه و اهداف ازدواج‌های پیامبر به ما کمک می‌کند.)

۵. محدودیت پیامبر در ازدواج: همه زنان پیامبر پیش از آن که آیه و حکم حرمت ازدواج بیش از چهار زن نازل گردد، به عقد پیامبر درآمدند. این آیه در اواخر سال هشتم هجری در مدینه نازل شد؛ لذا

خداوند پس از آن به پیامبرش اجازه نداد زناش را طلاق بدهد و جای آنان همسرانی را برگزیند.^۲

۶. **ردّ پیشنهاد مشرکان:** مشرکان قریش به منظور تطمیع پیامبر ﷺ پیشنهادهایی را ارائه دادند؛ از جمله گفتند: «آماده‌ایم بهترین دختر عرب را به عقد تو درآوریم، به شرطی که از آیین خویش دست برداری». رسول اسلام این پیشنهادها را رد کرد و نپذیرفت.

۷. **عدم انتقاد از ازدواج‌های پیامبر:** در آن روزگار هیچ یک از دشمنان پیامبر، ازدواج‌های او را دستاویز حمله به شخصیت حضرت قرار ندادند؛ چرا که ازدواج‌های ایشان بر خلاف فرهنگ آن روزگار و ضدّ ارزش تلقی نمی‌شد؛ اگر بعداً دشمنان حضرت این ازدواج‌ها را دستاویزی برای کوبیدن و خرد کردن شخصیت ایشان قرار دادند، خواسته یا ناخواسته از فرهنگ ازدواج در مسیحیت ناشی می‌شود؛ چرا که در نزد مسیحیان «ازدواج» ضدّ ارزش و شیطانی تلقی می‌شود، در حالی که در آیین اسلام به آن بسیار توصیه شده و حتی چند همسری که در وضع خاصی، از امور ضروری اجتماعی تلقی می‌شود نیز توصیه شده است.

هدف‌های متعالی در ازدواج‌های پیامبر ﷺ

۱. هدف سیاسی - تبلیغی

از جمله اهداف والای ازدواج‌های پیامبر ﷺ بلکه مهم‌ترین آنها، به دست آوردن قدرت سیاسی، تقویت پایگاه و نفوذ اجتماعی برای تبلیغ و رشد و گسترش اسلام، کاهش دشمنی مخالفان اسلام و افزایش ضریب امنیتی برای مسلمانان به شمار می‌آید.

حضرت به خاطر دستیابی به جایگاه اجتماعی و سیاسی بهتر، جلوگیری از کارشکنی‌های قبایل بزرگ عرب، پیشبرد سیاست‌های داخلی و ایجاد زمینه مساعد برای مسلمان شدن قبایل، به برخی ازدواج‌ها روآورد و در این راستا با زنانی ازدواج کرد، همچون: «عایشه» دختر ابوبکر، از قبیله بزرگ و نامدار و پرنفوذ «تیم»؛ «حفصه» دختر عمر از قبیله بزرگ «عدی»؛ «ام حبیبه» دختر ابوسفیان، بزرگ طایفه بنی‌امیه؛ «ام سلمه» از قبیله معروف بنی مخزوم؛ «سوده» از بنی اسد؛ «میمونه» از بنی هلال و «صفیه» از بنی اسرائیل.

توجه به این نکته راهگشاست که «ازدواج» از مهم‌ترین پیوندهای اجتماعی و تأثیرگذار در روابط قبایل و طوایف است، به ویژه در محیط و فرهنگ شبه جزیره عربی.

در محیطی که جنگ و چپاول و غارت اموال مردم رواج داشت (و به تعبیر «ابن خلدون»: جنگ و خونریزی و غارتگری جزو خصلت‌های ثانوی آنان شده بود!)^۳ بهترین عامل بازدارنده از این وضع

و کارشکنی‌ها، نیز مهم‌ترین عنصر وحدت و الفت بین قبایل، پیوند ازدواج بود. به همین خاطر می‌بینیم حضرت با زنانی از قبایل بزرگ قریش (به ویژه با برخی از قبایل و اقوامی که بیش از دیگران با پیامبر دشمنی داشتند، همانند بنی‌امیه و بنی‌اسرائیل) ازدواج کرد، اما با قبایل انصار که خطر دشمنی از سوی آنان وجود نداشت، ازدواج نکرد.

پیامبر ﷺ با قبایل مهم و پرنفوذ «خویشاوند» شد؛ بر اثر این خویشاوندی، اتحاد و همدلی بین آنان و حضرت افزایش پیدا کرد و دشمنی و کارشکنی آنان نسبت به مسلمانان و اسلام، کاهش پیدا کرد. آنان با همه تعصب‌ها و لجاجت‌ها، از جوانمردی بهره‌ای داشتند؛ در برابر بت سوگند می‌خوردند و به آن پایبند بودند، اگر کسی را پناه می‌دادند (حتی اگر دشمنشان بود) با تمامی امکانات قبیله از او دفاع می‌کردند؛ مانند: مطعم بن عدی که در صف دشمنان حضرت قرار داشت اما همین که به حضرت پناه می‌دهد (که در بازگشت ایشان از سفر طایف در پناه او و قبیله‌اش قرار بگیرد)، به یاری حضرت می‌شتابد و به همگان اعلان می‌دارد و می‌گوید: «محمد در پناه ما است و کسی حق تعرض به او را ندارد».^۴ نیز جنگ با دو گروه را ننگ می‌دانستند: یکی جنگ با هم قبیله و دیگری نبرد با خویشاوند و فامیل. پیامبر با چند قبیله بزرگ، خویشاوند و فامیل شد و از این راه توانست از دشمنی آنان بر ضد مسلمانان بکاهد و بر رشد و گسترش اسلام بیافزاید.

بنابراین می‌توان گفت: ازدواج‌های متعدد پیامبر، یکی از عوامل پیشرفت و گسترش اسلام به‌شمار می‌آید و ازدواج‌ها با انگیزه دینی و سیاسی تحقق پذیرفته بود. آنگاه که پیامبر «جویریة» را آزاد کرد و با او ازدواج نمود، بسیاری از یهودیان قبیله بنی‌مصطلق، از جمله پدر جویریة، به حضور پیامبر شرفیاب شدند و اسلام را پذیرفتند.

با دقت در چند نکته، این سخن بهتر پذیرفتنی است:

۱. در اوضاع سخت و بحرانی، رسول خدا به ازدواج‌های متعدد رو آورد، به ویژه پس از جنگ احد، که نتیجه آن بر مسلمانان بسیار ناگوار بود.

۲. بعد از فتح مکه (که سرآغاز پیروزی درخشان و نقطه عطف در تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید) پیامبر به ازدواجی اقدام نورزید. آخرین ازدواج ایشان در جریان «عمرة القضا» و در سال هفتم هجری صورت پذیرفت.

۳. حضرت با قبایل انصار و مسلمانان مدینه که روگردانی آنان از حمایت پیامبر و دست کشیدن از اسلام مطرح نبود، پیوند زناشویی برقرار نکرد.



«گیورگیو» نویسنده مسیحی، در این مورد می‌نویسد:

محمد ﷺ ام حبیبه را به ازدواج خود درآورد تا بدین ترتیب، داماد ابوسفیان [یعنی دشمن اصلی خود] شده و از دشمنی قریش نسبت به خود بکاهد. در نتیجه این وصلت، پیامبر اسلام با خاندان بنی‌امیه و هند (زن ابوسفیان) و سایر دشمنان خونی خود، جنبه فامیلی و خویشاوندی پیدا کرد. ام‌حبیبه، عامل بسیار مؤثری برای تبلیغ اسلام در خانواده‌های مکه بود.^۵

ازدواج، زمینه ساز فتح مکه

چند ازدواج پیامبر، برای فتح مکه زمینه ساز بود:

۱) ازدواج با ام حبیبه

ازدواج پیامبر با ام حبیبه (دختر ابوسفیان) که پیش از فتح مکه رخ داد، در کاهش دشمنی مشرکان قریش - به ویژه بنی‌امیه - تأثیر گذاشت؛ چرا که آنان ناخواسته پیامبر را «داماد» خود یافتند و همان گونه که پیشتر بیان شد، در آن فرهنگ و محیط، جنگ با خویشاوند زشت و قبیح شمرده می‌شد. با کم رنگ شدن دشمنی آنان اوضاع برای پیروزی و فتح مکه در سال هشتم هجری فراهم گردید؛ عبدالله بن عباس می‌گوید: آیه «عسی الله أن يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة»^۶ «امید است خداوند دوستی را میان شما و دشمنانتان برقرار گرداند» در مورد ازدواج پیامبر با ام‌حبیبه نازل شده است که زمینه ساز فتح مکه بدون جنگ و خونریزی و عامل کاهنده دشمنی بین مسلمانان و مشرکان قریش به شمار می‌آید.^۷

۲) ازدواج با صفیه

ازدواج با صفیه (دختر حیی بن اخطب، رئیس یهودیان خیبر) یکی دیگر از ازدواج‌های پیامبر است که بر عظمت و موفقیت‌های ایشان افزود و آن حضرت را در پیشبرد دین یاری کرد. این ازدواج در سال هفتم هجری رخ داد که حدود یک سال پیش از فتح مکه است. مورخان نوشته‌اند: پیامبر پس از فتح خیبر با «صفیه» ازدواج نمود، که بازتاب خوبی پیدا کرد و قریشیان را به اندیشه واداشت که مبارزه با محمد ﷺ کاری بیهوده است؛ چرا که او توانسته است دژهای مستحکم خیبر را بگشاید و دختر رئیس قبیله را به همسری خود درآورد، بنا بر این خوف آن وجود دارد که مکه را نیز فتح کند، در این صورت مخالفت‌ها نه تنها سودی ندارد بلکه ممکن است به نابودی آنان نیز منجر گردد.

به این داستان توجه کنید:

پس از فتح خیبر «حجاج بن علاط» به پیامبر عرض کرد: در مکه اموالی دارم، می‌خواهم آنجا بروم و با ترفندی اموالم را از چنگ مشرکان قریش بستانم. پیامبر اجازه داد و او رفت.

وی می‌گوید: وقتی به مکه رسیدم، دیدم مردم در پی خبریابی نتیجه جنگ خیبر هستند. چون مرا دیدند و هنوز از مسلمان شدن من آگاه نبودند، دور من جمع شدند و از نتیجه جنگ خیبر جویا شدند. گفتم: برای شما خبر خوبی دارم و آن، این است که محمد چنان شکستی خورد که هرگز مانند آن را نشنیده‌اید. یارانش کشته شدند و خودش را اسیر کردند و گفتند: او را نمی‌کشیم بلکه به مکه می‌فرستیم تا اهل مکه او را به جای کشتگان خود در حضور مردم بکشند. مشرکان مکه با شنیدن این سخنان، بسیار خوشحال شدند و لحظه شماری می‌کردند که پیامبر را بیاورند و با دستان خودشان بکشند.

سپس به اهل مکه گفتم: به من کمک کنید تا اموال خودم را جمع آوری کنم و به خیبر بروم تا پیش از رسیدن بازرگانان دیگر، از شکست خوردگان اصحاب محمد، کالایی را به دست آورم. همه کمک کردند و تمامی اموالی را که نزد بازرگانان قریش داشتم، جمع آوری کردند.

وی می‌گوید: اموال خودم را گرفتم و آماده حرکت شدم. در همین هنگام عباس بن عبدالمطلب را دیدم، از من پرسید: این چه خبری است که اینجا پراکنده کرده‌ای؟! گفتم: در آن سیزی است. به تو می‌گویم، به شرطی که تا سه روز خبر را مخفی داری و پس از سه روز به دیگران بگویی. به خدا سوگند! برادرزاده‌ات (رسول خدا) را در حالی وداع نمودم که با دختر رئیس یهودیان (صفیه دختر حیی بن اخطب) عروسی کرده و خیبر را فتح نموده است.

عباس از تعجب پرسید: چه می‌گویی؟! گفتم: به خدا سوگند! راست می‌گویم، مطلب همین است. اما این خبر را مخفی دار. من مسلمان شده‌ام، به مکه آمده‌ام تا با این ترفند اموالم را جمع آوری کنم. چون می‌ترسم پس از انتشار خبر مسلمانی من دیگر نتوانم آنها را وصول کنم، چنین چاره‌ای اندیشیدم.

روز سوم که شد، عباس جامه‌ای فاخر پوشید و خود را خوشبو کرد و عصای خود را به دست گرفت و از خانه بیرون آمد و داخل مسجدالحرام شد و به طواف کعبه پرداخت. مردان قریش که هنوز سرگرم خبر «حجاج بن علاط» بودند، وقتی عباس را در آن حال دیدند، گفتند: در برابر این مصیبت بزرگ، خود را به شکیبایی زده‌ای؟!

عباس گفت: نه، به خدا سوگند! چنان نیست که می‌پندارید. محمد، خیبر را فتح کرد و با دختر رئیس آن سرزمین عروسی کرد...^۸

از آن چه بیان شد، به روشنی فهمیده می‌شود که ازدواج پیامبر ﷺ با صفیه - دختر رئیس یهودیان خیبر - یک حرکت سیاسی موفقیت‌آمیز و یک گام به جلو در مبارزات آن حضرت به شمار می‌آید. عروسی پیامبر با بزرگ زاده یهودی و به تعبیر حجاج بن علاط، «دختر پادشاه» بر عظمت و جایگاه پیامبر در دل‌های قریشیان افزود و کمک کرد در سال بعد و در جریان فتح مکه، آن شهر بدون جنگ و خون‌ریزی فتح گردد.

۳) ازدواج با میمونه

ازدواج با «میمونه» در عمرة القضا نیز زمینه ساز فتح مکه شد، فتحی که بدون جنگ و خون‌ریزی به دست آمد؛ زیرا این ازدواج موجب تقویت پایگاه اجتماعی پیامبر گردید. پیامبر ﷺ می‌خواست در این عروسی، سران مکه را به میهمانی دعوت نماید و از فرصت به دست آمده برای کاستن دشمنی‌ها بهره بگیرد.^۹ انجام این کار، موقعیت پیامبر را استوار می‌کرد؛ شاید بدین جهت بود که سران مشرک مکه با آن مخالفت نمودند و از پیامبر خواستند هر چه سریعتر طبق معاهده سال گذشته، مکه را ترک نمایند.

همین نکته به ما می‌فهماند که بیشتر ازدواج‌های پیامبر در جهت زمینه‌سازی و تحکیم موقعیت اجتماعی ایشان بود؛ زیرا بیشتر همسران پیامبر از اهالی مکه بودند و دو تن از یهود. دشمنان درجه اول پیامبر، مشرکان قریشی بودند و در ردیف بعدی، یهودیان. ازدواج‌های یادشده با قبایل قریش و اهل مکه، کمک و زمینه‌سازی کرد تا در سال هشتم هجری، مکه بدون جنگ و خون‌ریزی، فتح گردد.

۲. هدف تربیتی

پیامبر در برخی از ازدواج‌ها، هدف تربیتی را دنبال می‌کرد، آن هم تربیت عملی برای نگهداری از یتیمان و بیچارگان.

رسول خدا ﷺ حمایت از محرومان و واماندگان را جزء آیین نجات‌بخش اسلام اعلان نمود. آیه‌های قرآنی نیز به شیوه‌های گوناگون، مردم را به حمایت از بیچارگان و یتیمان فرا می‌خواند. پیامبر در فرصت‌های مختلف و زمان‌های مناسب، مردم را به این کار خداپسندانه تشویق می‌کرد. برای مردان درمانده در کنار مسجد، جایگاهی (صفه)^{۱۰} بنا نهاد و حدود هشتاد تن را در آنجا پناه داد. «صفه نشینی» ویژه مردان بود؛ اما درباره بانوان وضع متفاوت است. با توجه به موقعیت زنان، این گونه راه‌حل‌ها برای رهایی از مشکلاتشان پسندیده نیست، بلکه رسول خدا برای

بانوان راه حل دیگری را در نظر گرفت. ایشان از فرهنگ و سنت «چند همسر داری» که بازتاب اوضاع اجتماعی بود، بهره گرفت و مردان مسلمان را تشویق کرد زنان بی سرپرست و یتیم دار را به فراخور حالشان با پیوند زناشویی به خانه های خویش ببرند تا آنان و یتیمان شان از رنج بی سرپرستی، تنهایی، فقر مادی و عقده های روانی رهایی یابند.

پیامبر فقط با زبان و گفتار، مسلمانان را به این امر خداپسندانه تشویق نکرد، بلکه در عمل خودش در این راه پیش قدم شد و به نگهداری از یتیمان و بیچارگان پرداخت و چند زن بیوه و بی سرپرست و یتیم دار را با پیوند زناشویی به خانه خویش برد و در این کار برای دیگران الگوی پسندیده ای شد.

این بهترین راه حل مشکل زنان بیوه و یتیمان شمرده می شود؛ چرا که بانوان مؤمن بی سرپرست، به حکم اسلام نمی توانند به نکاح مردان کافر در آیند. هم چنین ماندن نزد خانواده خود که کافر بودند، مشکل بود، بلکه به مصلحت نیز نبود.

با دقت و تأمل در فرهنگ آن عصر و ارزش های اسلامی، پیامبر ﷺ بهترین راه حل ممکن را برگزید و در سخت ترین اوضاع (که پس از جنگ احد حدود هشتاد تن از مسلمانان و نیز پس از حادثه «رجیع» و «بئر معونه» که حدود پنجاه تن از مسلمانان به شهادت رسیده بودند و صدها زن بیوه و کودک یتیم جا مانده بود) پیامبر با چند زن بیوه عقد ازدواج بست و آنان را به همراه یتیمانی که از شوهران شان داشتند، به خانه خود راه داد؛ مانند: ام سلمه که شوهرش ابو سلمه در جنگ احد زخمی شد و بعد به شهادت رسید، زینب بنت خزیمه که شوهرش عبد الله بن جحش در جنگ احد به شهادت رسید و حفصه دختر عمر که همسرش خنیس بن حذافه، بنا به نقلی در جنگ احد زخمی شد و سپس به شهادت رسید.

یکی از زنان بیوه، «ام حبیب» دختر ابوسفیان بود. در حالی که دشمنان اسلام به رهبری ابوسفیان تلاش کردند با طلاق دختران رسول خدا مشکل اقتصادی ایشان را بیشتر کنند، آن حضرت دختر بیوه ابوسفیان را به خانه خود برد! این کار خداپسندانه حتی تحسین سرسخت ترین دشمنش؛ یعنی ابوسفیان را برانگیخت. چرا که خبر این ازدواج آنگاه که به گوش ابوسفیان رسید، او را دگرگون ساخت و سخنی بر زبان جاری کرد که از جوانمردی، بزرگی و مردانگی پیامبر ﷺ حکایت دارد. ابوسفیان گفت: «او [پیامبر] شیرینی است که نمی توان بینی اش را به خاک سایید».^{۱۱}



بنابراین ازدواج ایشان با زنانی همانند «ام حبیبه» نه تنها بهانه‌ای برای خُرده‌گیری نیست، بلکه یک عمل مثبت و ارزشمند تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر: پیامبر نه تنها از ازدواج به عنوان ابزار و وسایل مشروع برای «اهداف عالی» بهره می‌گرفت، بلکه ازدواج با آن ویژگی‌ها، یکی از اهداف عالی اسلام برای حمایت و کمک به دیگران تلقی می‌شود. پیامبر با اقدام به ازدواج با زنان بی‌سرپرست و یتیم‌دار، به معقول‌ترین چاره‌اندیشی مشکل بی‌سرپرستی زنان و یتیمان تمسک کرد. و در یک کلام، در کانون پرمحبت خانواده به تربیت و رشد و بالندگی یتیمان پرداخت.

۳. رهایی و کرامت کنیزان

یکی دیگر از اهداف با ارزش رسول خدا در ازدواج‌ها، رهایی کنیزان و شخصیت دادن به آنان است. اسلام با برنامه‌ریزی دقیق و مرحله به مرحله، جهت آزادی اسیران گام برداشت. رسول خدا از شیوه‌های خوب و پسندیده گوناگونی برای رهایی اسیران بهره گرفت که یکی از آنها، ازدواج است. «جویریه» و «صفیه» هر دو کنیز بودند، پیامبر این دو را آزاد کرد، سپس با آنان ازدواج نمود، تا بدین وسیله به مسلمانان آموزش دهد می‌توان با کنیز ازدواج نمود؛ یعنی اول می‌بایست او را آزاد کرد، سپس شریک زندگی خود قرار داد.

در جریان ازدواج پیامبر با «جویریه» نه تنها وی از نعمت آزادی بهره‌مند شد، بلکه از برکت این ازدواج، بسیاری از کنیزان دیگر نیز آزاد شدند.

«جویریه» در غزوه «بنی مصطلق» یا «مُریسِع» اسیر شده بود و در سهم غنیمتی رسول خدا قرار گرفت. حضرت وی را آزاد کرد، سپس به عقد خود درآورد. اقدام حضرت برای یارانش الگو شد و آنان تمامی اسیران غزوه بنی مصطلق را که حدود دویست اسیر بودند، آزاد کردند.

بنابراین می‌توان یکی از حکمت‌ها و آثار مثبت ازدواج‌های پیامبر را «آزادی بردگان» به شمار آورد. در این مورد «گیورگیو» دانشمند مسیحی، می‌نویسد:

محمد با جویریه ازدواج کرد، یارانش این عمل را با تعجب می‌نگریستند و رفتار پیامبرشان را نمی‌پسندیدند. از فردای آن روز، عده‌ای کم کم به اصل این اقدام پی‌بردند؛ و وقتی که پیامبر یاران و جنگجویان را خواست و از آنان پرسید که آیا روا می‌دانند پدر زن رسول خدا، اسیر و برده باشد؟! پس از آن، تمام افراد بنی مصطلق آزاد شدند.^{۱۲}

۴. نجات زن

از دیگر اهداف والای ازدواج‌های پیامبر، نجات زن و جلوگیری از گرایش وی به بستگان مشرک و کافر به شمار می‌آید. برخی از زنانی که مسلمان شده بودند، به جهت مرگ یا شهادت شوهر و بی‌سرپرست شدن، زندگی بر آنان بسیار مشکل شده بود و در وضع آشفته‌ای به سر می‌بردند. «ام حبیبه» دختر ابوسفیان، یکی از این زنان است. وی همراه همسرش «عبیدالله بن جحش» برای فرار از آزار مشرکان قریش به حبشه مهاجرت کرد، در آنجا شوهرش مرتد شد و سپس از دنیا رفت. آشفته‌گی و نگرانی از چند جهت برای «ام حبیبه» پیش آمده بود. آنگاه که پیامبر از مشکل او با خبر شد، به پادشاه حبشه (نجاشی) پیام فرستاد و از او خواست ام‌حبیبه را به عقد حضرت درآورد. در حالی که مهریه دیگر زنان پیامبر چهارصد درهم مقرر شده بود، بنابه قول مشهور مهریه ام‌حبیبه چهارصد دینار مقرر شد؛ یعنی ده برابر مهریه دیگر زنان! این رخداد، نظر یادشده را تأیید می‌کند که پیامبر با این ازدواج می‌خواست وی را نجات بدهد و از غلتیدن در دامن بستگان مشرک و کافر بازدارد و از شدت نگرانی‌اش بکاهد.^{۱۳}

ضمن این که وصلت با خاندان بنی‌امیه، زمینه ساز کاهش دشمنی آنان بر ضد اسلام و مسلمانان بود، که یک گام به سوی پیروزی به شمار می‌آمد.

۵. از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی

ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش، با هدف از بین بردن دو سنت غلط جاهلی (یکی، سنت پسرخواندگی و احکام آن و دیگری، ازدواج با همسر مطلقه غلام آزاد شده) تحقق یافت. در اسلام «پسر خوانده»، مشمول احکام پسر واقعی نمی‌شود. در جاهلیت، «پسر خوانده»، احکام پسر را داشت؛ یعنی ارث می‌برد و زنش محرم بود. اسلام این احکام را باطل کرد و از آن پس، پسر خوانده نمی‌توانست احکام پسر را داشته باشد.^{۱۴}

پیامبر به دستور خدا با زینب، همسر مطلقه پسر خوانده خویش (زید بن حارثه) ازدواج کرد تا مسلمانان به روشنی دریابند حکم جاهلی، باطل شد و اسلام آن را قبول ندارد. اگر این ازدواج رخ نمی‌داد، زید بن حارثه و یا فرزندش (اسامه بن زید) پس از رحلت پیامبر به عنوان پسر و وارث پیامبر مطرح می‌شدند و این زمینه‌ای برای تغییر وراثت، امامت و خاندان پیامبر می‌شد؛ ممکن بود به زید یا پسرش اسامه بگویند: تو وارث رسول خدا هستی و باید خلیفه مسلمانان بشوی، یا این که خلافت حق تو است و به هر کسی که می‌خواهی واگذار کن!

مورخان و مفسران نوشته‌اند: هنگام ازدواج پیامبر با زینب، حضرت چنان دعوت عامی برای صرف غذا از مردم به عمل آورد که این کار در مورد هیچ یک از همسرانش سابقه نداشت.^{۱۵} حضرت با این کار خواست با صدایی رسا و با دلیلی روشن به همگان بفهماند احکام پسر را درباره پسرخوانده جاری نکنند، نیز با همسری که پسرخوانده طلاق داده است، می‌توان ازدواج کرد. شاید حکمت این کار، آن بود که پیامبر می‌خواست اعلان کند به هیچ وجه از «سنت‌های خرافی» پیروی نمی‌کند، بلکه به اجرای دستور الهی افتخار می‌کند، نیز با قدرت تمام بگوید در نظر دارد با ازدواجی چنین، آوازه شکستن «سنت جاهلی» را به گوش همگان برساند.^{۱۶}

پی‌نوشت‌ها

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، ج ۴، ص ۶۳۴.
۲. نساء/۳؛ احزاب/۵۲.
۳. مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۸۶.
۴. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۲؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۵۰۷؛ الاعلام، زرکلی، ج ۷، ص ۲۵۲.
۵. محمد پیامبری که از نو باید شناخت، گیورگیو، ص ۲۰۷.
۶. ممتحنه/۷.
۷. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۹۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۳، ص ۴۴۶؛ تفسیر قرطبی؛ ج ۱۸، ص ۵۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۱۰، ص ۲۰۰.
۸. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۶۰-۳۶۳؛ البذایة و النهایة، ج ۴، ص ۲۴۶؛ تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۷۶-۴۷۹.
۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۰.
۱۰. صفة، سکویی بود در کنار مسجد پیامبر که سایبانی داشت و مأوای بیچارگان و بی‌پناهان بود.
۱۱. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۹۹.
۱۲. محمد، پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۱۸۱. البته این سخن نویسنده که «پدر جویریة برده بود»، درست نیست. او آزاد بود و در جنگ مریسج یا بنی مصطلق اسیر نشده بود، خبر آزادی جویریة توسط پیامبر و سپس ازدواجش با حضرت به گوش حارث پدر جویریة رسید، وی به مدینه نزد پیامبر آمد و به او ایمان آورد و مسلمان شد. آنگاه به قبیله خود بازگشت و همه آنان مسلمان شدند. (ر.ک. همسران پیامبر ﷺ، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، حسن عاشوری لنگرودی).
۱۳. این در صورتی است که بگوئیم: خود پیامبر این مهریه را مقرر کرده باشد اما اگر نجاشی این مقدار مهریه را تعیین نموده بود، دیگر نمی‌توان به مقدار مهریه برای تأیید ادعای یادشده تمسک کرد. اما به هر روی، ازدواج با «ام حبیب» برای نجات وی از کفر و شرک بود.
۱۴. احزاب/۴.
۱۵. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۰۳ و ۱۰۷؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۵، ص ۲۲۶؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۴۳؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۱.
۱۶. ر.ک. همسران پیامبر ﷺ، پرسش‌ها و پاسخ‌ها.